

A Critical Study on the Policies of the Iranian Education System in Sexual Education of Adolescents

Reza Kama'i*

Ne'matollah Karamollahi**

Abstract

'Sexual education' is not only one of the most complex and important aspects of education but also one of the important issues in a society. It plays a significant role in shaping human personality and affects his thoughts, emotions and behaviors. Since the analysis of theoretical discussions and practical policies in sexual education can be the basis for enlightenment of the minds of researchers and educators, the present study, which aims at critical examination of the policies of the Iranian education system in sexual education of adolescents, was conducted with a social approach. Reviewing all upstream documents and regulations of the education system, and considering the strong points, the authors seek to criticize the policies and approaches of Iranian education system in sexual education of adolescents. The result of the study shows that, according to these critical studies, the dominant policy and approach of the Iranian education system to sexual education is 'the control of sexual desire', which can be interpreted as a 'control policy'. One of the characteristics of this policy is to pay more attention to the preventive aspects of sexual education. The manifestation of this policy is on the reality of sexual desire in such a way that instead of considering sexual desire as an opportunity for a virtuous life, it portrays sexual desire as a threat to a happy life.

Keywords: criticism, policy, sexual education, education system, adolescents.

* MA Graduate from Baqir al-Olum University, Qom, Iran rezakamaie72@gmail.com.

** Associate professor, Head of Department of Sociology, Baqir al-Olum University, Qom, Iran, n.karamollahi@gmail.com.

بررسی انتقادی خطمشی نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان

رضا کمائی*

نعمت‌اله کرم‌اللهی**

چکیده

«تربیت جنسی» یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین ابعاد تعلیم و تربیت و از موضوعات مهم حوزه اجتماعی است که در چگونگی شکل‌گیری شخصیت انسان نقش بسزایی داشته و بر افکار، عواطف و رفتارهای وی تأثیرگذار است. نظر به اینکه تحلیل مباحث نظری و خطمشی‌های عملی حوزه تربیت جنسی می‌تواند زمینه‌ساز روشنگری و تنویر اذهان محققان و متولیان امر تربیت شود، در پژوهش حاضر که با هدف بررسی انتقادی خطمشی‌های نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان با رویکرد اجتماعی انجام شد، پژوهشگر بر آن است تا ضمن بررسی تمامی اسناد و آئین‌نامه‌های بالادستی نظام آموزش و پرورش و با در نظر گرفتن نقاط مثبت، به نقد خطمشی‌ها و رویکردهای این سازمان در حوزه تربیت جنسی بپردازد. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که براساس بررسی‌های انتقادی، خطمشی و رویکرد حاکم بر نگاه به تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران «مهار میل جنسی» است، که می‌توان از آن به «خطمشی مهار» تعبیر کرد. از ویژگی‌های این خطمشی توجه بیشتر به جنبه‌های سلبی و تحریمی تربیت جنسی است. جلوه‌گری این خطمشی از واقعیت میل جنسی به گونه‌ای است که بیش از آنکه میل جنسی را فرصتی برای زندگی فضیلت‌مندانه تلقی نماید، آن را تهدیدی برای زندگی سعادت‌مندانه تصویر می‌کند.

واژگان کلیدی: انتقاد، خطمشی، تربیت جنسی، آموزش و پرورش، نوجوانان.

rezakamaie72@gmail.com

* کارشناسی ارشد، سایر، دانش آموخته دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) قم.

** دکترای تخصصی، دانشیار، دانشیار و مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) قم

n.karamollahi@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

مقدمه

غریزه جنسی از غرائز اصلی نیرومند انسانی است که در چگونگی شکل‌گیری شخصیت فردی، شاکله اجتماعی و نیز بر اندیشه، زبان و بر نهادهای اجتماعی تأثیرگذار است. از این رو هدایت، تنظیم، تعدیل و ارضاء آن ضروری است و چشم‌پوشی از این امور بستر ساز نقصان و ناکارآمدی اصل فرایند تربیت خواهد شد. با توجه به ویژگی‌های عصر حاضر و اقتضانات پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و هجمه‌های شدید فرهنگی کشورهای غربی در زمینه مسائل جنسی و نیز بروز نشانه‌های ولنگاری جنسی در میان نوجوانان و جوانان، لزوم توجه به «تربیت جنسی»^۱ در دوران کنونی را به یکی از دغدغه‌ها و چالش‌های اصلی خانواده‌ها و کارشناسان امر تربیت مبدل کرده است. این نوع تربیت زیرمجموعه نظام تعلیم و تربیت و یکی از مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی است که نیازمند طراحی مدل سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای واقع‌نگرانه است.

در میان مسائل و مفاهیم تربیتی، سیاست‌گذاری برنامه‌های درسی در موضوعات مربوط به امر جنسی به دلیل حساسیت‌های خاص همواره با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. امر جنسی گرچه از خصوصی‌ترین امور هر فرد به شمار می‌رود، اما تمام گستره جامعه انسانی را پوشش می‌دهد و در تمام ساحت‌های مختلف تعلیم و تربیت نمود دارد و همه ساحت‌های جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی آحاد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنابراین با توجه به پیچیده‌تر شدن سبک زندگی و افزایش نیاز به تعلیم و تربیت و هدایت جنسی نوجوانان، متولیان تعلیم و تربیت به خصوص نهاد آموزش و پرورش که ارتباط نزدیکی با نوجوانان دارند، باید با تدوین سیاست‌ها و راهبردهای واقع‌نگرانه، بتوانند در زمینه تربیت جنسی اطلاعات و آموزش‌هایی را به معلمان و نوجوانان داده و در واقع نهاد آموزش و پرورش به پایگاه امنی برای نوجوانان در بحران‌های جنسی تبدیل شود.

در حقیقت می‌توان گفت که «اگر برنامه‌های درسی به نیازهای نوجوانان و پدیده بلوغ توجه نکنند، این پدیده خود به خود در مسیر زندگی بدون انتخاب احسن صورت خواهد گرفت، زیرا نوجوان نسبت به این مسائل حساس و کنجکاو بوده و در پی یافتن اطلاعاتی در این زمینه است. در نتیجه از دوستان و منابع دیگر، مسائل مبتذل و اطلاعات غلط را بی‌موقع کسب می‌کند که باعث انحراف جنسی می‌شود. با توجه به این مباحث توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی ضروری می‌باشد» (ابراهیمی هرستانی، ۱۳۹۴، ص ۳۶-۷۶).

پژوهشگران تاکنون توانسته‌اند به زمینه‌های مختلف تربیت جنسی پی برده و فرصت‌ها،

تهدیدها و چالش‌های این امر مهم را شناسایی و معرفی کنند. در مطالعات پیشین بیشتر به ابعاد فلسفی، روان‌شناختی و دینی اخلاق جنسی، مسئولیت آموزش جنسی، مطالعه دیدگاه اسلام در زمینه تربیت جنسی، تربیت جنسی از دید متفکران، جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی، ماهیت تربیت جنسی کارآمد و اهمیت آن در سلامت روانی و جنسی کودک و نوجوان، آشنایی با مراحل رشد جنسی کودک و آگاهی بخشی به والدین پرداخته شده و هیچ‌کدام به خط‌مشی‌های واقع‌بینانه و عمل‌گرایانه نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان نپرداخته‌اند. بنابراین در این پژوهش، تربیت جنسی به عنوان یک پدیده و واقعیت اجتماعی در نظر گرفته شده و تلاش می‌شود خط‌مشی و راهبردهای نظام آموزش و پرورش، به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی که می‌تواند با عملکرد درست و اتخاذ مواضع سیاست‌گذارانه در این زمینه تأثیر بسزایی در ایجاد یک نظام اجتماعی موفق و منسجم داشته باشد، مورد ارزیابی انتقادی قرار گیرد.

بدین ترتیب، سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که «چه انتقادهایی بر خط‌مشی‌های نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان» وارد است. همچنین، تلاش می‌شود به سؤالات فرعی زیر پاسخ داده شود:

- ۱) مبانی فکری سیاست‌گذاران خط‌مشی نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان چیست؟
- ۲) در صورت وجود خط‌مشی برای تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران چه برنامه‌های آموزشی (در چه سطح و در چه مقطعی) برای تربیت جنسی نوجوانان وجود دارد؟
- ۳) خط‌مشی واقع‌نگرانه برای رسیدن به وضعیت مطلوب تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران مبتنی بر انتقادهای وارد شده بر خط‌مشی موجود چیست؟

چارچوب مفهومی

این مبحث دارای دو بخش مفهوم‌شناسی و مبانی نظری است.

الف) مفهوم‌شناسی

از آنجاکه هدف این بخش شناخت مفاهیم بنیادین این پژوهش است، بنابراین با توجه به عنوان پژوهش شناخت تعریف مفاهیم کلیدی تحقیق شامل «نقد و انتقاد»، «استراتژی و خط‌مشی»، «تربیت جنسی»، «آموزش و پرورش»، «نوجوان» به شکل‌گیری ذهنیت مشترک میان مخاطبان و نگارنده کمک می‌کند:

۱) نقد و انتقاد

نقد و انتقاد به معنی جدا کردن و آشکارکردن زیبایی‌ها و کاستی‌های یک اثر است (معین، ماده نقد). نقد سخن یعنی اظهار کردن عیب‌ها و محاسن آن (المنجد، ماده نقد). بنابراین نقد و انتقاد، حرکتی اصلاح‌گراانه است و هدف آن ارج نهادن به کار مثبت دیگران و یادآوری رواها و نارواها در کنار هم است (حق‌پناه، ۱۳۸۳، ص ۲).

مطهری، در تعریف نقد و انتقاد، می‌نویسد: «قوة نقادی و انتقاد کردن، به معنای عیب گرفتن نیست. معنای انتقاد، یک شیء را در محک قرار دادن و به وسیله محک زدن به آن، سالم و ناسالم را تشخیص دادن است» (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۲۸۵). تعریف مختار پژوهشگر از نقد در این تحقیق، همان تعریف شهید مطهری رحمته‌الله علیه است.

۲) خط‌مشی

خط‌مشی به مجموعه اصول و قواعدی گفته می‌شود که تصمیم‌گیری‌های سازمان را جهت‌دهی می‌کند و در بستر آن، رویه‌ها و فرایندها شکل می‌گیرند. خط‌مشی باید از صراحت، وضوح، قابلیت اجرا، انعطاف‌پذیری، جامعیت، هماهنگی، مستدل بودن برخوردار باشد (میرشکاری، ۱۳۹۶).

۳) تربیت جنسی

تعریف‌های فراوانی برای تربیت جنسی مطرح شده است؛ در این پژوهش، تربیت جنسی به این معناست که «فرد در دوره‌های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی، به‌گونه‌ای پرورده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد؛ قردان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مونث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد؛ و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با هم‌جنس و جنس مخالف را فرا گیرد؛ آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه آن، به آرامش برسد؛ به‌گونه‌ای که توانمند شود که عواطف و فعالیت‌های جنسی خویش را در جهت قربة الی‌الله و جلب خشنودی خداوند، به‌کار گیرد» (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

۴) نوجوان^۱

نوجوانی مهم‌ترین و بحرانی‌ترین دوره زندگی است که بین کودکی و بزرگسالی قرار دارد. این دوره، یکی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی هر فرد به‌شمار می‌آید، به‌گونه‌ای که روان‌شناسان آن را دوران عاطفه‌پرستی، احساس‌گرایی و فشار نامیده‌اند. این دوره که محدود به سنی ۱۰ تا ۱۸ سال را دربرمی‌گیرد و منطبق با دوره راهنمایی (متوسطه اول) و دبیرستان (متوسطه دوم) است، «بیشترین مشکلات تربیتی را داراست و اغلب در همین دوره است که فرزندان یا راه تباهی را می‌روند و یا در مسیر سعادت گام می‌نهند» (جباری و همکارش، ۱۴۰۰، ص ۱).
نوجوانی به دوره‌های تکاملی متفاوتی تقسیم‌بندی شده است:

جدول شماره ۱: مراحل دوره نوجوانی

مراحل دوره نوجوانی
اوایل نوجوانی (۱۰ تا ۱۳) سالگی
اواسط نوجوانی (۱۴ تا ۱۶) سالگی
اواخر نوجوانی (۱۷ تا ۱۸) سالگی

بنابراین مراد از «نوجوانان» در پژوهش حاضر، هر سه مرحله نوجوانی است.

ب) مبانی نظری

* رویکردهای تربیت جنسی

تیفانی جونز^۲ چهار رویکرد در باب تربیت جنسی معرفی کرده است که عبارت‌اند از:

۱) رویکرد محافظه‌کار

تمرکز اساسی این رویکرد بر «انتقال ارزش‌های جنسی حاکم (مسلط)» به متربیان است. در این رویکرد چارچوب و استخوان‌بندی امر جنسی اغلب به طور پیشینی و توسط یک قدرت مرجع خارجی تعیین می‌شود. الگوهای جنسی گوناگون هستند، اما تنها شکلی از آنها که منجر به تولیدمثل شود مشروع انگاشته می‌شوند که آن هم در بافت مبتنی بر ازدواج دو غیرهمجنس رخ می‌دهد (جونز، ۲۰۱۱، ص ۱۳۶ و ۱۳۷).

1. Adolescence

2. Tiffany Jones

در این دیدگاه روابط جنسی خارج و پیش از ازدواج موجب احساس گناه، افسردگی، بیماری‌های مقاربتی و از دست دادن روابط خوب بعد از ازدواج خواهد شد. تأکید بر نقش‌های زنانه و مردانه و پرورش آنها، زهد اخلاقی و دستورات مذهبی از اجزای اساسی این رویکرد تربیتی است. در این رویکرد بدن به مثابه عاملی اغواکننده و وسوسه‌انگیز روح را از مسیر درست منحرف می‌کند و در این میان میل جنسی نقشی ویژه دارد.

۲) رویکرد لیبرال

مفهوم اساسی در این رویکرد ایجاد زمینه‌هایی برای بروز فردیت و علایق شخصی است. بنابراین «مسئله جنسی» وقتی بروز می‌کند که در مجموعه (آموزش‌ها و دانش‌های) جنسی که به فرد منتقل می‌شود، فردیت شخص یعنی علایق و خواسته‌های او لحاظ نشوند (همان، ص ۱۴۴). الگوهای رفتار جنسی متفاوت‌اند اما تنها آن‌گویی از رفتار جنسی مشروع است که مطابق علایق و خواسته‌های فرد باشد.

۳) رویکرد انتقادی

تمرکز اساسی این رویکرد، ایجاد عدالت و برابری در جامعه است. این گرایش بر آن است دارد تا شرایطی فراهم آورد که صدای «گروه‌های در حاشیه قرار گرفته» مثل اقلیت‌های جنسی همجنس‌گرایان و دوجنسی‌ها شنیده شود (همان، ص ۱۵۱). بدن تنها منبعی برای تولیدمثل یا رابطه جنسی سنتی یا دارای جنبه‌های معنوی و روحی نیست. بدن موجودیتی سیاسی داشته و خواسته‌ها، لذت‌ها و نسبت‌های همه در روابط قدرت وجود دارند.

۴) رویکرد پست مدرن

در این دیدگاه وجود هرگونه حقیقتی فراتر از فرهنگ نفی شده است. آنچه در این دیدگاه به‌عنوان «مسئله جنسی» مطرح است پیش فرض‌های ضمنی و پنهان ناشی از فرهنگ و گفتمان مسلط و آثار محدودکننده آنها بر تجربه‌های جنسی ممکن است (همان، ص ۱۵۹). بدین ترتیب می‌توان گفت تنها در گرایش محافظه‌کار تربیت جنسی مشاهده می‌شود که امر جنسی و روابط جنسی در قالب دوگانه زن-مرد تعریف می‌شود و ارضای جنسی تنها در قالب ارتباط جنسی غیرهمجنس‌گرا تجویز شده است و هدف اساسی آن تولید نسل است. در هر سه گرایش دیگر، الگوی رفتار جنسی انسان می‌تواند از الگوی جنسی غیرهمجنس‌گرا عبور نموده و هدف اصلی میل جنسی انسان تنها تولیدمثل نیست. البته هر کدام با توجیهی متفاوت از دیگری.

* مبانی و اصول تربیت جنسی

قبل از بیان مبانی و اصول تربیت جنسی، لازم است که منظور از مبانی و اصول تربیت جنسی تبیین شود:

منظور از مبانی تربیت جنسی، ویژگی‌های طبیعی شناختی و گرایشی‌ای هستند که در انسان‌ها به صورت واقعی وجود دارند و منشأ و مبنای ادراکات، امیال، کشش‌ها، صفات و فعالیت‌های مربوط به جنس مذکر و مؤنث هستند.

اما اصول تربیت جنسی، یعنی قواعد و دستورالعمل‌های نسبتاً کلی که پذیرش و کاربست آنها، فرد را برمی‌انگیزد تا در راستای هدف عالی قرب الهی، خواسته‌ها و فعالیت‌های جنسی خویش، همسر و فرزندان و متریان را سامان دهد و در برآوردن نیازها و امیال جنسی، شیوه‌ای را پیش گیرد که او را به خدا نزدیک کند و خداوند را از او خشنود سازد (فقیهی، ۱۳۷۸، ص ۳۲).

در متون دینی، مبانی، منشأ اصول‌اند و اصول، برگرفته شده از مبانی. قواعدی می‌توانند جزو اصول تربیت جنسی باشند که از مبانی و واقعیات عینی وجود انسان و آنچه در ارتباط با اوست، سرچشمه گرفته باشند (همان).

جدول شماره ۲: مبانی تربیت جنسی

مبانی تربیت جنسی	مرجع
تداوم نسل	(صالحی، ۱۳۸۱، ص ۲۱)
طبیعی بودن نیاز جنسی	(نصیری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷)
عاملیت محیط و شرایط	(باقری، ۱۳۶۸)

جدول شماره ۳: اصول تربیت جنسی

اصول تربیت جنسی	مرجع
رشد احساس طبیعی بودن نیاز جنسی	(فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)
لازم دانستن ارضای نیاز جنسی	(فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۴۸)
روابط جنسی، در قالب ازدواج	(فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۵۳)
حفظ ارزشمندی نوجوان ^۱	(مجلسی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۸)
ارائه آموزش متناسب با سن و ویژگی‌های یادگیرنده	(سادات، ۱۳۶۸)
آموزش تدریجی	(پزند، ۱۳۸۷، ص ۵۹)

۱. امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماند: «مَنْ كَرَّمَتَ عَلَيْهِ نَفْسَهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ»؛ هر کس برای خودش ارزش قائل باشد، شهوتش نزد او بی‌ارزش می‌شود. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر حسب نوع مسئله آن پژوهشی کیفی است. با توجه به اینکه در پژوهش کیفی تکنیک‌های مختلفی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها وجود دارد، در ادامه هر یک را به‌طور جداگانه شرح می‌دهیم.

الف) گردآوری داده‌ها

به‌طور کلی مصاحبه، مشاهده و اسناد ابزارهایی هستند که می‌توان در پژوهش‌های کیفی با استفاده از آنها داده‌ها را گردآوری کرد (ظهور و همکارش، ۱۳۸۲، ص ۳-۵). براین اساس در تحقیق حاضر از ابزار «بررسی اسناد موجود» استفاده شده است. در بررسی اسناد، داده‌های مورد نیاز از منابع مختلف مانند کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های پژوهشی منتشر شده گردآوری شده است. بخشی از داده‌های مورد نیاز از اسناد رسمی دولتی ناظر به خط‌مشی نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان و قوانین و مقررات مربوط به آن به دست آمده است.

ب) تحلیل داده‌ها

با توجه به مسئله تحقیق حاضر که از سنخ مسئله پژوهی، کاربردی و میان‌رشته‌ای است و نیز با عنایت به اینکه این پژوهش در صدد شناخت و گونه‌شناسی نظریات و دیدگاه‌ها در بررسی انتقادی خط‌مشی نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان است، بنابراین استفاده از بیش از یک روش کیفی در این تحقیق ضرورت دارد و به همین دلیل پاسخ به مسئله این پژوهش با روش تحقیق «چندروشی» انجام خواهد شد؛ به این معنا که برای آشنایی با فضای کلی اسناد آموزش و پرورش در خصوص امر جنسی و نیز شناخت جایگاه «امر تربیت جنسی» در هر کدام از اسناد مذکور از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار استفاده شده است. «تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار، روشی برای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و رفع نواقص نظریه یا تحقیقات قبلی که درباره یک پدیده مطرح‌اند که یا کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمند هستند» (ایمان، ۱۳۹۰، ص ۲۱).

همچنین برای «بررسی انتقادی سند» از روش تحلیل گفتمان انتقادی استفاده شده است. «تحلیل گفتمان انتقادی، روشی برای بررسی متون (اعم از گفتاری، نوشتاری و تصویری) در یک حوزه خاص است که با مشخص کردن مفاهیم محوری آن متون و زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی تولید آن متن‌ها، به دنبال نشان دادن یک گرایش یا سوگیری خاص در مجموعه آن متون است»

(حاجی پور، ۱۳۹۵، ص ۳). بنابراین، بخش ارزیابی انتقادی سند شامل دو مرحله «توصیف» و «تبیین» است. در مرحله توصیف، محقق به دنبال آشکارسازی و کشف معانی بنیادین متن از طریق بررسی ارتباط میان مفاهیم مختلف است تا لایه‌های زیرین متن شناسایی و به پیام واقعی که در چارچوب دیدگاه فکری-اجتماعی سازمان داده شده است دست یابیم. بنابراین تحلیل در این مرحله به ارتباط میان مفاهیم مختلف می‌پردازد و براساس گرایش‌های موجود سعی در تشریح رویکرد حاکم بر متن می‌شود تا مشخص شود که متن از چه خط‌مشی و با کدام ویژگی‌ها متأثر شده است؛ و تبیین، مرحله‌ای است که ارتباط میان رویدادهای اجتماعی با ساختارهای اجتماعی را شناسایی و تحلیل می‌کند.

یافته‌ها

همان‌گونه که آمد، در این تحقیق، اسناد و آئین‌نامه‌های منتخب با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار و تحلیل گفتمان انتقادی بررسی، توصیف و تبیین خواهد شد. برای این کار ابتدا با مراجعه به ساختار سازمانی وزارتخانه آموزش و پرورش، تمام حوزه‌هایی که می‌تواند به صورت بالقوه در موضوع تربیت جنسی وارد شوند مورد شناسایی قرار گرفتند. این حوزه‌ها عبارت‌اند از:

جدول شماره ۴: اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش

ردیف	نام سند	تدوین کنندگان	مخاطبین
۱	مبانی تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران	*	تمام سیاستگذاران و برنامه ریزان وزارت آموزش و پرورش
۲	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	*	تمام سیاستگذاران و برنامه ریزان وزارت آموزش و پرورش
۳	برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران	سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، شورای عالی آموزش و پرورش	تمام برنامه ریزان و مؤلفین کتب درسی، معلمان در کلیه سطوح
۴	هدف‌های آموزش و پرورش در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش دبستانی	شورای عالی آموزش و پرورش	سیاست گذاران و برنامه ریزان وزارت آموزش و پرورش
۵	راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت اسلامی و دینی	شورای عالی آموزش و پرورش	مؤلفین کتب درسی و تمام برنامه ریزان آموزشی و تربیتی وزارت آموزش و پرورش

ردیف	نام سند	تدوین کنندگان	مخاطبین
۶	معرفی برنامه آداب و مهارت های زندگی (سیک زندگی) در دوره اول متوسطه	دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی	معلم های مدرس درس تفکر و سیک زندگی
۷	ارتقای سلامت دوره نوجوانی «طرح مدارس مروج سلامت»	دفتر سلامت و تندرستی معاونت تربیت بدنی و سلامت آموزش و پرورش، دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت	کارکنان، دانش آموزان و اولیاء و مربیان مدارس مجری طرح
۸	کتابچه آشنایی با خدمات راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش	اداره کل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش	منتصیان امر مشاوره در آموزش و پرورش و مشاوران مدارس
۹	راهنمای خود مراقبتی برای زندگی عاری از اچ آی وی و ایدز	دفتر سلامت و تندرستی معاونت تربیت بدنی و سلامت آموزش و پرورش، دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت	دانش آموزان دوره متوسطه

* بررسی انتقادی اسناد

الف) بررسی انتقادی اسناد شماره ۱، ۲ و ۳ در جدول شماره ۴

این سه سند، از یک نوع پیوستگی برخوردار بوده و در راستای هم تدوین شده است. به این معنی که «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی» مبتنی بر «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» بوده و سند تحول بنیادین نیز براساس «مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» تدوین شده است. بنابراین، باید آنها را در کنار هم و به صورت یک بسته تحلیل کرد.

در بین اسناد بالادستی تنها سندی که صراحتاً به تربیت جنسی اشاره کرده است، سند «مبانی نظری تحول بنیادین» است که در آن «تربیت جنسی» ذیل قلمرو ساحت تربیت زیستی و بدنی معرفی شده است.

در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» تنها گزاره‌هایی که می‌توان آنها را با تربیت جنسی مرتبط دانست، اشاره به موضوع‌هایی مانند حیا، عفاف، حجاب و نیز توجه به بلوغ و اقتضائات آن است. صریح‌ترین توجه سند به مقوله عفاف و حجاب را می‌توان در بند نهم از بیانیه ارزش‌های فصل دوم، بند یکم از هدف‌های کلان فصل پنجم، راهکار ۲-۱ از هدف عملیاتی یکم فصل هفتم، راهکار سوم از هدف عملیاتی دوم فصل هفتم، راهکار ۱۴-۲ از هدف عملیاتی چهاردهم فصل هفتم مشاهده نمود. در بندهای ۱۶-۲ و ۱۶-۳ از هدف عملیاتی شانزدهم فصل هفتم به رعایت و توجه به اقتضائات دوران بلوغ اشاره شده و از آن حیث که بلوغ جنسی از ابعاد مهم دوران بلوغ

است می‌تواند دلالت‌هایی برای تربیت جنسی نیز داشته باشد. همین نگاه دوباره در سند «برنامه درسی ملی» به‌عنوان یکی از زیر نظام‌های سند تحول تکرار شده است.

در مرحله توصیف این اسناد، نشانه‌های گفتمان مدار متن-یعنی واژه‌هایی که بار ارزشی و مفهومی مشخصی دارند-مورد توجه است. استفاده از اصطلاح «تربیت جنسی» در سند «مبانی نظری تحول بنیادین»، نشان از پذیرش اهمیت هدایت ساحت جنسی متریبان در سطح آموزش و پرورش دارد. استفاده از عبارت «تعدیل غرایز و تمایلات و عواطف طبیعی» در هدف‌های ساحت زیستی و بدنی نشان می‌دهد که میل یا غریزه جنسی حالت‌هایی افراطی و تفریطی دارد که هیچ‌کدام مورد تأیید نبوده و تعدیل موردنظر است. اما با توجه به حاکمیت ساحت اعتقادی، عبادی، اخلاقی بر سایر ساحت‌های تربیت و اینکه در این ساحت به «مهاریز طبیعی، تعدیل عواطف و تمایلات، تقویت اراده و خویش‌داری» اشاره شده است، دامنه تعدیل محدودتر شده و مهار در مواردی جای آن را می‌گیرد. به بیان دیگر، جنبه‌های فسادانگیز واقعیت میل جنسی بیشتر مورد توجه متن بوده که با نگاه مبتنی بر «مهاریز» در سند «مبانی نظری تحول» تطابق دارد. از سوی دیگر، در جنبه‌های ایجابی تنها به عبارت کلی «توجه به اقتضائات و شرایط روحی دوران بلوغ» در سند تحول و «بهداشت بلوغ و سلامت نوجوانی» در سند برنامه درسی ملی اشاره شده است.

برای تحلیل ایدئولوژی حاکم بر این متون در مرحله تبیین، توجه به این نکته راهگشا است که این اسناد طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ تدوین شدند که مصادف است با روی کار آمدن دولتی که شعار اصلی آن عدالت‌خواهی و بازگشت به شعارها و ارزش‌های دهه اول انقلاب اسلامی است. بنابراین به نظر می‌رسد این اسناد سعی دارد تا فاصله خود را با متون رقیب غربی حفظ کند. توجه ویژه این اسناد به موضوع عفاف و حجاب با در نظر گرفتن جایگاه این ارزش‌ها در رویکرد جمهوری اسلامی ایران، فهم ایدئولوژی حاکم بر این اسناد را تسهیل می‌کند.

حجاب پس از انقلاب اسلامی به نشان ویژه جمهوری اسلامی و معیاری برای سنجش پای‌بندی آن به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی-انقلابی تبدیل شد. تبدیل شدن عفاف و حجاب به ارزش‌هایی ایدئولوژیک و در پیوند با ساخت نظام قدرت در ایران پس از انقلاب اسلامی از بسترهای اجتماعی-سیاسی شکل‌گیری خط‌مشی مهار محور این متون در تربیت جنسی است.

ب) بررسی انتقادی اسناد شماره ۴ و ۵ در جدول شماره ۴

در مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه‌های مربوط به «هدف‌های آموزش و پرورش در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش‌دبستانی» و «راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت اسلامی و دینی در مقاطع تحصیلی مختلف» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. در مجموعه هدف‌های آموزش و پرورش آنچه می‌تواند بر تربیت جنسی دلالت داشته باشد، به‌طور عمده حول محور حیا، عفاف و پوشش و آراستگی اسلامی و محرم و نامحرم از یک‌سو و توجه به سلامتی و بهداشت از سوی دیگر بوده است.

در سند «راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت اسلامی و دینی» ضمن تأکید بر مفاهیم حیا، عفاف و حجاب، به موضوعاتی مانند «بلوغ و احکام خاص آن» و «غریزه جنسی، ازدواج و خانواده» نیز پرداخته شده است که دلالت‌های جزئی‌تری برای تربیت جنسی دارند. از نظر توصیف ظاهر متن و نشانه‌های گفتمان‌مدار آن، تأکید سند بر مفاهیم محرم و نامحرم، حیا و عفاف، پوشش و وضع ظاهری و آراستگی اسلامی و منطبق بر موازین دینی همه یک نقطه اشتراک مهم دارند و آن تأکیدی است که این مفاهیم بر راهبرد پیش‌گیری دارند. مفاهیم محرم و نامحرم بر محدودیت‌هایی در روابط و معاشرت‌های دو جنس زن و مرد تأکید دارد و با پذیرش آن روابط جنسی زن و مرد به صورت مشخص و معینی محدود می‌شود. نگاه سلبی حاکم بر حیا و عفاف نیز پیش‌تر توضیح داده شد.

در این گزاره‌ها نوع نگاه به بلوغ بیشتر بیانگر تمایل تولیدکنندگان متن به محور قرار دادن احکام بلوغ دارد، البته این توجه به احکام بلوغ دور از انتظار هم نمی‌تواند باشد؛ زیرا نویسندگان در مقام بیان اهداف درس تعلیم و تربیت اسلامی هستند. علاوه بر این، عبارت «احکام خاص بلوغ» حاکی از آن است که نویسندگان از به کار بردن عبارتی که نشان‌دهنده احکام جنسی دوره بلوغ باشد پرهیز کرده‌اند که خود بیانگر تمایل به کم‌رنگ کردن توجه مستقیم به مقوله‌های جنسی است.

کاربرد اصطلاح «غریزه جنسی» نشان دیگری است بر وجود نگاه بدبینانه به واقعیت میل جنسی انسان. استاد مطهری ضمن توضیح در مورد فطرت به غریزه اشاره کرده و می‌نویسد: «غریزه بیشتر در مورد حیوانات به کار برده می‌شود و کمتر در مورد انسان به کار می‌رود» (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۶۵). تأکید بر ازدواج و تشکیل خانواده پس از پرداختن به «غریزه جنسی» نشان از آن دارد که از نظر تولیدکنندگان سند، میل جنسی نباید سرکوب شود و کارکرد اساسی آن ازدواج و تشکیل خانواده است. از این رو، باید گفت بازنمایی نهایی بعد جنسی انسان در نظر تولیدکنندگان سند به‌گونه‌ای است که اگر در خدمت تشکیل خانواده قرار نگیرد، ضد ارزش بوده و

به صورت مستقل از خانواده مفهومی ندارد. از حیث نشانه‌شناسی، اساسی‌ترین نشانه‌ای که بر تعدیل جنسی دلالت دارد، همین اشاره به ازدواج و تشکیل خانواده است که باید آن را نگاهی در راستای توجه به فرصت‌های میل جنسی برای زندگی سعادت‌مندانة متربی تلقی کرد.

در مرحله تبیین، علاوه بر آنچه پیش‌تر پیرامون تأثیرپذیری متن از ایدئولوژی حاکم بر جمهوری اسلامی در موضوعات حیا، عفاف و حجاب گفته شد، پرداختن به احکام فقهی مربوط به موضوع‌های جنسی با عنوان «احکام خاص دوران بلوغ» بیانگر است که سند متأثر از دیدگاه فقه‌ای حاکم بر نظام سیاسی جمهوری اسلامی است. در خدمت ازدواج دیدن میل جنسی و خانواده‌گرایی آن نیز نشان دیگری است از تأثیرپذیری سند از خانواده‌گرایی جمهوری اسلامی که در مقدمه و اصل دهم قانون اساسی خود را نشان داده است.

ج) بررسی انتقادی اسناد شماره ۶ و ۸ در جدول شماره ۴

در سند «معرفی برنامه آداب و مهارت‌های زندگی (سبک زندگی) در دوره اول متوسطه» از فصل اول بخش دوم کتاب راهنمای تدریس «تفکر و سبک زندگی» پایه هفتم، مفهوم سبک زندگی براساس شش وظیفه اصلی انسان طرح شده است که آخرین مورد آن وظیفه مهرورزی و تولید نسل است (راهنمای تدریس تفکر و سبک زندگی (پایه هفتم)، ۱۳۹۲، ص ۱۲۷ و ۱۲۸).

در توضیح هدف‌ها و رویکردهای برنامه درسی آداب و مهارت‌های سبک زندگی، مفاهیمی مانند حیا، عفاف و پوشش مورد تأکید قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، از لزوم برخورد عاقلانه با پدیده بلوغ، شناخت فرایند آن و مراقبت‌های بهداشتی در این دوره نیز سخن به میان آمده است. در مرحله توصیف، واژه‌گزینی‌های انجام شده در توضیح ابعاد نظری سبک زندگی نشان از به رسمیت شناختن میل جنسی و ابعاد مختلف آن دارد. تأکید بر «وظیفه جنسی»، تحولات جنسی مانند عادت ماهیانه و محتلم شدن، رفتار جنسی و مهرورزی همه نشانه‌هایی از این رویکرد هستند. اما در بیان هدف‌ها و رویکردها که حالت تجویزی دارند، به موضوع حیا، عفاف و حجاب و پوشش توجه شده و در مواردی که به بلوغ اشاره می‌کند، عدم صراحت در پرداختن به جنبه‌های جنسی آن مشاهده می‌شود.

دومین سند در مجموعه اسناد، کتابچه «آشنایی با خدمات راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش» است که توسط اداره کل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش و بر مبنای راهکار ۴-۲۱ سند تحول بنیادین، با موضوع راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش، به منظور اجرایی کردن آن تدوین شده است. در متن سند اشاره مستقیمی به موضوعات مرتبط با تربیت

جنسی نشده است و تنها در ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره بر ضرورت توجه به نیازهای سنی دانش‌آموزان به ویژه در دوره بلوغ و ویژگی‌های بلوغ و اقتضائات آن تأکید شده است. این امر می‌تواند دلالتی عام برای تربیت جنسی در دوره بلوغ محسوب شود.

چنان‌که ملاحظه می‌شود سند در زمینه جنبه‌های ایجابی تربیت جنسی مانند اطلاع‌رسانی در زمینه بلوغ جنسی، بهداشت و سلامت جنسی، معرفی جایگاه و فرصت‌های میل جنسی برای دانش‌آموزان سکوت کرده و تنها با کلی‌گویی در توجه به بلوغ از این موضوع عبور کرده است. این تمایل به سکوت و سخن نگفتن در حالی است که برای بیان احتمالی موضوع‌های جنسی در صندوق ارتباط با مشاور راهکارهایی فراهم شده است. اما در بیان صریح موضوعات مرتبط با تربیت جنسی در فضای علنی و رسمی فرصتی ایجاد نمی‌شود. لذا، متن ضمن اینکه از طرح صریح جنبه‌های ایجابی موضوع‌های جنسی طفره می‌رود، نسبت به جنبه‌های انحرافی آنکه ممکن است در صندوق ارتباط با مشاور مطرح شود، موضع دارد. به عبارت دیگر، بیش از پیش‌گیری به درمان و بیش از فرصت‌ها به تهدیدها توجه شده است.

بدین ترتیب، متن گرایش زیادی به رویکردهای محافظه‌کار در تربیت جنسی دارد. افزون بر این، چون این سند به‌عنوان یکی از اسناد منتج از سند تحول بنیادین محسوب می‌شود، متأثر از همان ایدئولوژی‌هایی است که سند تحول بنیادین بر مبنای آنها نگاشته شده است.

د) بررسی انتقادی اسناد شماره ۷ و ۹ در جدول شماره ۴

در دستورالعمل اجرایی برنامه «ارتقای سلامت دوره نوجوانی» بهداشت بلوغ، باروری و پیش‌گیری از بیماری‌های خاص این دوران از هدف‌های این برنامه ذکر شده است. با بررسی این برنامه مشاهده می‌شود با وجود اشاره به سلامت باروری و بلوغ در هدف‌های آن، انتظار می‌رود به مسائل ویژه سلامت یا بهداشت جنسی پرداخته شود، این درحالی است که در جداول مربوط به غربالگری بیماری‌های گوناگون که در بخشنامه پیوست آن وجود دارد، به هیچ‌یک از اختلالات دستگاه تولیدمثلی یا اندام‌های جنسی اشاره نشده است و در متن نوعی سکوت در این موارد مشاهده می‌شود (اسماعیل مطلق و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵). نکته دیگر اینکه این برنامه یک برنامه آزمایشی و فقط خاص مدارس شبانه‌روزی است. البته مطرح شدن موضوع سلامت باروری خود نیز دلالت‌هایی دارد. از جمله اینکه موضوع سلامت جنسی موضوعی مهم بوده و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. ضمن اینکه عدم اشاره مستقیم به بحث سلامت جنسی و استفاده از واژه بهداشت باروری نشان‌دهنده وجود تمایلی در متن به سکوت درباره مسائل جنسی است.

در کتابچه «مدارس مروج سلامت» ویژه مجریان در بحث از اولویت‌های بهداشتی نوجوانان به موضوعات جنسی مانند حاملگی‌های ناخواسته، پیش‌گیری از ایدز و بیماری‌های آمیزشی و نیز آشنایی دانش‌آموزان با نحوه تغییرات جسمی در دوران بلوغ و چگونگی حفاظت از خود در برابر تهدیدات مواد مخدر و ایدز اشاره شده است. در قسمت‌هایی از متن تأکید می‌شود که نوجوان باید با تغییرات بدنی و بلوغ جنسی و توانایی‌های تولیدمثلی خود و نیز علت گرایش به جنس مخالف آشنا شود (همان، ص ۱۲۷).

در کتابچه مدارس مروج سلامت ویژه اولیا و مربیان، صریح‌ترین اشاره‌ها به موضوعات جنسی مشاهده می‌شود. در فصل اول به تشریح کامل اندام‌های تناسلی مردان و زنان پرداخته شده است. در فصل سوم با عنوان «پیش‌گیری از ناهنجاری‌های رفتاری، آسیب‌ها و بیماری‌ها» بیماری ایدز محور توجه واقع شده است. اساسی‌ترین نکته‌ای که در پیش‌گیری از بیماری ایدز اشاره شده است، پرهیز از تماس جنسی غیرایمن با این عبارت «تماس جنسی بدون استفاده از کاندوم با شریک جنسی که از وضعیت ابتلای او به ایدز و یا سایر بیماری‌های آمیزشی اطلاعی نداریم» می‌باشد (مدارس مروج سلامت در جمهوری اسلامی (ویژه اولیاء و مربیان)، ۱۳۹۱، ص ۷۲ و ۷۳). در فصل ششم این کتابچه با عنوان «تربیت دینی و جنسی» بیان می‌شود که آسفتگی‌های دوره بلوغ بیشتر ریشه جنسی دارند، زیرا «نوجوانان و جوانان به دلیل احساس توانایی برای عمل جنسی، تشدید انگیزه‌های جنسی، کنجکاوای در مورد مسائل جنسی، تلاش برای تعیین نقش جنسی و ترس شدید از نتایج فعالیت جنسی نسبت به امور جنسی حساس هستند» (همان، ص ۱۱۳). این حساسیت که همراه با ترشح هورمون‌های جنسی است، موجب تشدید تمایلات جنسی نوجوان شده که اگر راهی شرعی و قانونی برای «تشفی» آن مقدور نباشد، ممکن است به انحراف منجر شود. ملاحظه می‌شود که محور اساسی متون مدارس مروج سلامت در موضوع‌های جنسی، بحث سلامت و بهداشت جنسی است و جنبه‌های اخلاقی فروگذارده می‌شود. استفاده از عبارت «تماس جنسی غیرایمن» به جای استفاده از «تماس جنسی غیرشرعی یا غیرقانونی» از نشانه‌های این فروگذاری است. علاوه بر این، اشاره صریح به تحولات جنسی - جسمی دوره بلوغ و تأکید بر اینکه باید زمینه لازم برای آشنایی نوجوان با این تحولات فراهم شود، نشانه‌ای از به رسمیت شناخته شدن جنبه جنسی متربی و توجه به جنبه‌های ایجابی تربیت جنسی است. نکته قابل توجه دیگر این که در سخن گفتن از بعد جنسی نوجوان از واژه میل جنسی به جای غریزه جنسی استفاده شده و به جای مهار غریزه جنسی از واژه «تشفی» میل جنسی به معنای آرام کردن آن استفاده شده است. استفاده از میل در برابر غریزه و تشفی به جای مهار، صورتی انسانی‌تر به امر جنسی بخشیده و

ارضای جنسی را در اولویت قرار داده است. بنابراین، در این دو سند فرصت‌های میل جنسی بیش از تهدیدها و زمینه‌های انحرافی آن مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به موقعیت سند که در آن وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نقش داشته و نهادهایی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش نقش نداشته‌اند، غلبه گفتمان بهداشت و سلامت جنسی در مقابل گفتمان مهار مبتنی بر حیا و عفاف قابل درک است. توجه صرف به جنبه‌های آناتومیک و بهداشتی تربیت جنسی و کم‌رنگ بودن توجه به جنبه‌های اخلاقی و خویشتن‌دارانه آن، گرایش سند به رویکردهای لیبرال را تقویت کرده و رویکردهای محافظه‌کار را به حاشیه رانده است.

آخرین سند، بروشور «راهنمای خود مراقبتی برای زندگی عاری از اچ.آی.وی و ایدز» است که مخاطبان اصلی آن دانش‌آموزان مدارس هستند، بازنمایی کاملاً منفی از میل جنسی دارد. این ادعا مبتنی بر نشانه‌هایی است که در سند وجود دارد از جمله اینکه «چیزی به نام رابطه جنسی ایمن وجود ندارد» و نیز در روش‌های پیش‌گیری از بیماری ایدز تأکید می‌شود که «مهم‌ترین راه آلودگی به این عفونت، ارتباط جنسی است. بنابراین خویشتن‌داری و پرهیز از روابط جنسی ضروری است» (راهنمای خود مراقبتی برای زندگی عاری از اچ.آی.وی/ایدز، ص ۴) که آشکارا رابطه جنسی را بدون هیچ وصف مشخصی نفی می‌کند. چنان‌که ملاحظه می‌شود، اساساً متن منکر وجود رابطه جنسی ایمن شده و خواستار پرهیز از هرگونه روابط جنسی شده است. در صورتی که می‌توانست خواستار پرهیز از روابط جنسی غیرشرعی یا خارج از محدوده خانواده شود. همراهی بیماری‌کشنده ایدز با رابطه جنسی منجر به تقویت بازنمایی منفی از رابطه جنسی در ذهن مخاطب می‌شود. با توجه به موقعیت این سند که مخاطبان آن را دانش‌آموزان مدارس تشکیل می‌دهند، نقش زبان در بازنمایی منفی میل جنسی به‌گونه‌ای است تا شرایطی فراهم شود که دانش‌آموزان به هیچ‌وجه به روابط جنسی گرایشی نداشته باشند. این بازنمایی کاملاً منفی سبب شده تا متن از رویکرد لیبرال خوشبین به میل جنسی فاصله بگیرد و به رویکردهای محافظه‌کار بدبین به میل جنسی نزدیک شود.

از آنجا که مخاطب اصلی این متن دانش‌آموزان مدارس هستند، در تهیه آن اقتضائات خاص مدارس رعایت شده و به تبعیت از نگاه کلان آموزش و پرورش که تأکیدی پررنگ بر حیا و عفاف و حجاب دارد و به صراحت به موضوع‌های جنسی نمی‌پردازد، ترجیح داده شده که از اساس هرگونه رابطه جنسی نفی شود.

پژوهشگر تلاش می‌کند به تحلیل محتوای تمامی اسناد و آئین‌نامه‌های بالادستی نظام آموزش و پرورش که همچنان از اعتبار قانونی برخوردار بوده و با در نظر گرفتن نقاط مثبت آنها، به نقد

خط‌مشی و رویکردهای این سازمان در حوزه تربیت جنسی پردازد؛ تا در ضمن این توصیف و تحلیل به رابطه میان مفاهیم مختلف پدیده تربیت جنسی و رفع نواقص خط‌مشی که در این زمینه مطرح‌اند که با کامل نیستند یا به بازآفرینی نیازمند هستند، پردازد و در پایان مبتنی بر نقد خط‌مشی موجود، خط‌مشی واقع‌نگرانه‌ای برای رسیدن به وضعیت مطلوب تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران پیشنهاد دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد خط‌مشی

الف) نتیجه‌گیری

بررسی انتقادی متون مرتبط با تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران مبتنی بر روش‌های تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار و تحلیل گفتمان انتقادی به روشن شدن خط‌مشی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران در وضعیت کنونی منجر شد. نکته‌ای که در اینجا و پیش از پرداختن به نتیجه‌گیری نهایی لازم است مورد تأکید قرار گیرد این است که هدف اساسی این پژوهش آن بوده است که بتواند ضمن بررسی انتقادی خط‌مشی موجود، خط‌مشی مطلوب تربیت جنسی نوجوانان در نظام آموزش و پرورش ایران را نیز ترسیم کند، خط‌مشی مطلوبی که بتوان بر مبنای آن الگویی برای تربیت جنسی نوجوانان ارائه کرد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که خط‌مشی اساسی در نگرش حاکم بر تربیت جنسی نوجوانان در نظام آموزش و پرورش ایران «مهار میل جنسی» است و می‌توان این خط‌مشی را با نام «خط‌مشی مهار»، نام‌گذاری کرد.

خط‌مشی مهار در تربیت جنسی بر اساس بررسی اسناد موجود، دارای ویژگی‌هایی به شرح ذیل است:

۱. در این خط‌مشی، جنبه جنسی انسان بیشتر از آنکه به صورت میلی انسانی دیده شود به شکل غریزه‌ای حیوانی دیده می‌شود.
۲. در این خط‌مشی، چون میل جنسی به مثابه امری حیوانی است، بنابراین می‌تواند عامل تهدیدی جدی برای زندگی فضیلت‌مندانه انسان باشد.
۳. در این خط‌مشی، اگر به هر دلیلی قرار بر بیان موضوعات جنسی باشد باید این مسائل در فضایی غیررسمی و غیرصریح بیان شوند، بنابراین تمایل به سکوت و نوعی گرایش به پرده‌پوشی و پنهان‌کاری در بیان موضوعات جنسی دیده می‌شود. بهتر است مخاطب متونی که بی‌پرده و صریح به موضوعات جنسی می‌پردازند معلم‌ها و والدین باشند نه دانش‌آموزان.
۴. در این خط‌مشی، تا نوجوان ما به‌عنوان متربی با آنچه که مشکل یا مسئله جنسی نامیده

می‌شود مواجه نشده لازم نیست به موضوعات جنسی پرداخته شود - البته در این حالت هم باید حتی الامکان فضایی غیرصریح و غیرمستقیم حاکم باشد - بنابراین گرایش بیش از اینکه بر پیشگیری باشد بر درمان استوار است.

۵. در این خط‌مشی، تربیت جنسی به تربیتی اخلاقی فروکاسته شده و سلامتی و بهداشت و فهم و آگاهی جنسی به حاشیه رانده می‌شود. به طوری که آگاهی‌های مورد تأکید نیز در جهت تقویت اصل مهار باید باشند.

۶. علی‌رغم تمام ویژگی‌های فوق نمی‌توان گفت این خط‌مشی در پی سرکوب یا حذف بعد جنسی نوجوان است بلکه در این خط‌مشی میل جنسی مبنایی برای تشکیل خانواده شمرده شده و کارکرد تولیدمثلی آن بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد. از این جهت حتی جنبه‌ای مقدس نیز برای میل جنسی انسان در این رویکرد قابل تصور است. به همین دلیل در سنینی که دانش‌آموزان در معرض تشکیل خانواده نیستند گرایش این خط‌مشی به «مهار میل جنسی» معطوف شده و کمتر مقولات جنسی مورد توجه مستقیم قرار می‌گیرد.

بنابراین توجه سوگیرانه و یک‌جانبه به وجوه سلبی تربیت جنسی در آموزش و پرورش ادعایی است که پژوهش‌های دیگر نیز آن را تأیید می‌کنند. از جمله در پژوهشی که با عنوان «واکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی تحصیلی» انجام یافته تأکید شده که استفاده از تذکر در مراسم صبحگاه، بیان آیات و روایات مرتبط و نصیحت دانش‌آموزان در کلاس‌های درس، بیشترین اقدام‌های انجام شده توسط کارگزاران مدرسه برای تربیت جنسی بوده‌اند. این در حالی است که استفاده افراطی از تذکر و رفتارهای تحقیرکننده برای بروز رفتارهای جنسی، ضمن تشدید احساس گناه و حقارت در دانش‌آموزان می‌تواند زمینه سلب اعتماد به مسئولین مدرسه و هدایت دانش‌آموز به رفتارهای مخفی و تقویت انتقال و مبادله پیام‌های جنسی میان گروه‌های همسال را زمینه‌ساز باشد (ابراهیمی هرستانی، ۱۳۹۴، ص ۳۷).

پژوهش فوق توجه یک‌جانبه خط‌مشی مهار را با عنوان «برنامه درسی مغفول» نام‌گذاری کرده است که بیان دیگری از در حاشیه قرار گرفتن وجوه ایجابی تربیت جنسی است.

کم‌توجهی به وجوه ایجابی تربیت جنسی در آموزش و پرورش که از ویژگی‌های خط‌مشی مهار شمرده شد از بعد توجه به بهداشت و سلامت جنسی دانش‌آموزان موضوعی است که توسط نتایج پژوهش «تبیین تربیت جنسی دانش‌آموزان ایرانی از دیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی» نیز مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج این پژوهش با در نظر گرفتن مجموع عوامل بازدارنده در روند تربیت جنسی دانش‌آموزان «سیاست‌های آموزشی، ایجاد محدودیت در فضای آموزشی و محدوده

آموزش‌ها» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹، ص ۳۸) را از عوامل بازدارنده تربیت جنسی در حیطه آموزش و پرورش دانسته و بر نقش محدودکننده سیاست و فرهنگ سازمانی در عملکرد مربیان بهداشت تأکید می‌کند.

نتایج پژوهش «بررسی محتوای کتب درسی دوره‌های راهنمایی و متوسطه از حیث تربیت جنسی» نیز سکوت خط‌مشی مهار در مقولات جنسی را تأیید کرده و با اصطلاح «برنامه درسی پوچ» از آن یاد می‌کند. «تخصیص سهمی کمتر از ۰/۰۰۱ محتوای درسی به آموزش‌های جنسی در کتاب درسی به‌عنوان نقص در کتاب درسی قلمداد می‌شوند. چنین کمبودی است که در قالب برنامه درسی پوچ، عدم کفایت لازم برنامه درسی در تربیت همه جانبه مخاطبان را نمایان می‌سازد (مهرام، ۱۳۸۶، ص ۱۴). در پژوهش دیگری وضعیت موجود تربیت جنسی در مدارس به این شکل توصیف شده است «فضایی سخت‌گیرانه، آموزش‌های مبهم و اندک، دوستان مدرس با آگاهی اندک و اطلاعات نامعتبر، ناکامی و سکوت عاملان تعلیم و تربیت در مقابل محدودیت‌های نابجا» (شفیعی اپوروری، ۱۳۹۴، ص ۱۳۶)، که مجدداً سکوت نظام تعلیم و تربیت در آن مورد تأکید قرار گرفته است.

به‌علاوه نظام آموزش و پرورش ایران بخشی از مواجهه‌های لازم در مورد مسائل جنسی را در عمل بر عهده وزارت بهداشت - نمایندگی سازمان بهداشت جهانی - قرار داده است. از سوی دیگر نوع محتوای ارائه شده توسط متخصصان وزارت بهداشت با اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش هماهنگ نیست بلکه در مواردی نوعی تضاد را نشان می‌دهد. «متونی که اصل مواجهه آنها با تربیت جنسی مهار غریزه جنسی است، متأثر از ایدئولوژی و ارزش‌های جمهوری اسلامی بوده و به رویکردهای محافظه‌کار در تربیت جنسی نزدیک هستند و در مقابل متونی که اساس آنها بهداشت و سلامت جنسی است، بیشتر متأثر از ارزش‌ها و استانداردهای سازمان بهداشت جهانی بوده و به رویکردهای لیبرال در تربیت جنسی گرایش دارند» (سعید رضوانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴)، این امر، قطعاً می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات جدیدی در نظام آموزش و پرورش رسمی باشد.

بنابراین باید پذیرفت که «خط‌مشی مهار» مسئولان نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان منطبق بر رویکرد محافظه‌کار - نگاه بدبینانه - است؛ یعنی در اسناد آموزش و پرورش ما این نقص وجود دارد که امر جنسی به غریزه‌ای حیوانی فروکاسته شده و تهدیدی علیه زندگی اخلاقی و فضیلت‌مندانه است. با این اوصاف متصدیان تعلیم و تربیت که نمی‌خواهند امر جنسی را به غرایز حیوانی فروکاهند، به ناچار باید رویکرد غرب را بپذیرند. رویکردهایی که زندگی انسانی، اخلاقی و با فضیلت را در هم‌جنس‌خواهی و سایر روابط حیوانی جستجو می‌کنند. با

پذیرش رویکرد نامعقول و نادرست غرب و وام‌گیری از نگاه‌های ضددینی و غفلت از نگاه اسلامی نوجوانان دچار انحراف جنسی و مشکلات فراوانی خواهند شد.

ب) خط‌مشی پیشنهادی برای تربیت جنسی نوجوانان در نظام آموزش و پرورش ایران

همانطور که بیان شد رویکرد مجموعه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی با تربیت جنسی، دارای نوعی حیا بی‌جهت، پوشیدگی امر جنسی و تأکید کلی - بدون برنامه - بر حفظ حیا و عفت، بدون بررسی امکان ارضای گزینه جنسی در چارچوب صحیح شرعی و عقلی است. این نوع رویکرد، رویکردی ناقص و نافی طبیعت انسانی و بدون لحاظ شرایط وحشتناک تحریکات جنسی در گستره اجتماع امروز ماست. به عبارت دیگر نظام آموزش و پرورش ایران، برنامه خاصی برای تربیت جنسی صحیح نوجوانان به‌منظور پرورش عفاف در دانش‌آموزان ندارد و از پرداختن صحیح و دقیق به راهبردها و راهکارهای پرورش عفاف ورزی غفلت کرده است.

بنابراین خط‌مشی پیشنهادی به نظام آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی نوجوانان، «مواجهه شجاعانه و پذیرش مسائل جنسی و آموزش هوشمندانه و مدبرانه^۱ با توجه به آموزه‌های دینی متناسب با آسیب‌ها و تحریکات جوامع امروزی» است. از همین روی برای تحقق این امر باید نظام آموزش و پرورش به دنبال طراحی مدل‌های نوین و رویکردهای یاددهی-یادگیری هویت‌دهی سالم جنسی، خویشتنداری، کاهش آسیب‌ها یا درمان و... براساس آموزه‌های دینی و یافته‌های روان‌شناسی همسو با مبانی دینی متناسب با جامعه امروزی و نیز بررسی کارشناسانه چگونگی به کارگیری و طراحی مدبرانه راهبردهای فعال و عملی در مقابله با آسیب‌ها و انحرافات جنسی باشد. به‌علاوه نظام آموزش و پرورش باید به دنبال طراحی مدلی نو و هوشمندانه برای استفاده از ظرفیت اولیاء و مربیان باشد تا بتواند در تحقق امر تربیت جنسی به وضعیت مطلوبی برسد. نکته شایان توجه این است، اگرچه نظام آموزش و پرورش اصلی‌ترین متولی امر تربیت جنسی است، اما تنها متولی نیست و بسیاری از سازمان‌های حاکمیتی نقش‌های مهمی بر عهده دارند که پرداختن به آنها خارج از توان و موضوع این پژوهش است.

۱. با لحاظ شرایط اجتماعی، قوانین و موانع پیش‌رو

منابع

- ‡ نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹.
۱. ابراهیمی هرستانی، اصغر؛ بهروز مهram و محمدجواد لیاقت‌دار (۱۳۹۴)، «اکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی تحصیلی»، س ۱۲، ش ۱۷، تبریز: دانشگاه تبریز.
 ۲. ابوالقاسمی ناریا؛ عفت السادات مرقاتی خویی و محمدحسین تقدیسی (۱۳۸۹)، «تبیین تربیت جنسی دانش‌آموزان ایرانی از دیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی»، تهران: مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی.
 ۳. اسماعیل مطلق محمد؛ محمد چینیان و مرضیه دشتی (۱۳۹۱)، مدارس مروج سلامت در جمهوری اسلامی ایران (ویژه اولیاء و مربیان)، تهران: وزارت آموزش و پرورش دفتر سلامت.
 ۴. اسماعیل مطلق محمد؛ محمد چینیان و مرضیه دشتی (۱۳۹۰)، دستورالعمل اجرایی مدارس مروج سلامت در جمهوری اسلامی ایران (ویژه معریان)، تهران: وزارت آموزش و پرورش دفتر سلامت.
 ۵. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰)، «مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی»، س ۳، ش ۲، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
 ۶. باقری، خسرو (۱۳۸۶)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چ ۱، تهران: انتشارات مدرسه.
 ۷. پرند، اکرم (۱۳۸۷)، «آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی»، دوفصلنامه علمی تخصصی تربیت اسلامی، س ۳، ش ۷.
 ۸. تفکروسبک زندگی، پایه هفتم، کتاب معلم (راهنمای تدریس) (۱۳۹۲)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
 ۹. جباری، وحید و طاهره عبادتی شادهرسری (۱۴۰۰)، تربیت دینی نوجوانان، تهران: ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار.
 ۱۰. حاجی‌پور، حامد (۱۳۹۵)، «تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران (وضعیت موجود)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: دانشگاه خوارزمی.
 ۱۱. حق پناه، رضا (۱۳۸۳)، «انتقاد و انتقادپذیری»، مجله اندیشه حوزه، ش ۵۰/۴۹، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. سادات، محمدعلی (۱۳۶۸)، رفتار پدران و فرزندان، تهران: انتشارات اولیاء و مریبان.
۱۴. سعیدرضوانی، محمود (۱۳۹۷)، «پاره حقیقت گویی درباره تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش»، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۸.
۱۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی/ وزارت آموزش و پرورش.
۱۶. شفیع‌ی‌اپوروازی نعیمه و مراد یاری دهنوی (۱۳۹۴)، «تأملی بر نقش آفرینی وارونه متصدیان تربیت جنسی و ترسیم رسالت مطلوب هر یک از آنها از منظر مشاوران و کارشناسان دینی مدرسه»، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۱۷. صالحی، فردین (۱۳۸۱)، مؤلفه‌های انحراف جنسی در تهران، قم: انتشارات راه زبان.
۱۸. ظهور، علیرضا و حسین کریمی مونتقی (۱۳۸۲)، «تحلیل اطلاعات در مطالعه کیفی»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، س ۶، ش ۱۹، تهران: دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۱۹. فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۷)، مبانی اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، چ پنجم، تهران: صدرا.
۲۳. میرشکاری، جواد (۱۳۹۶)، سیاست، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادبیان فارسی.
۲۴. نصیری، یوسف (۱۳۸۹)، درآمدی بر مبانی تربیت جنسی در تربیت اسلامی، اصفهان: مطالعات اسلامی در علوم انسانی.
۲۵. نقیب‌زاده جلالی، میرعبدالحسین (۱۳۸۸)، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: انتشارات طهوری.

26. Jones T. (2011), "A Sexuality Education Discourses Framework: Conservative", Liberal, Critical, and Postmodern, *American Journal of Sexuality Education.*, new York: harper and row.